

حق توسعه: بررسی ابعاد حقوق بشری توسعه

سیدعلی موسوی^۱

مقدمه

در نظام بین‌الملل مفاهیم همواره در حال تغییر و دگرگونی هستند و گاه مفاهیم جدید وارد متون کلاسیک حوزه‌های مختلف روابط بین‌الملل شده و مورد بحث دانشمندان و صاحب‌نظران این حوزه از علوم انسانی قرار می‌گیرند. مفهوم «حق توسعه» نیز به عنوان یکی از مفاهیم جدید دارای چنین وضعیتی است. این مفهوم که در حقیقت با تلفیق دو مفهوم توسعه و حقوق بشر به وجود آمده است این ضرورت را برای محقق به وجود می‌آورد که ابتدا به رابطه‌ی آن دو مفهوم توجه نماید. هر دو مفهوم دارای مضامین مهمی چون حیات، عدالت و رفاه انسانی می‌باشند. در یک دید وسیع‌تر، می‌توان توسعه را به عنوان فرآیندی در نظر گرفت که توسط آن کلیت حقوق بشر تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر تحقق حقوق بشر هدف توسعه است.^(۱) همان‌طور که پطرس غالی^۲ دبیرکل سابق سازمان ملل متحد در پیام خود به مناسبت روز حقوق بشر (۱۰ دسامبر ۱۹۹۳) بیان می‌دارد که کرامت کامل انسان فقط به معنای آزادی از شکنجه نیست بلکه آزادی از گرسنگی نیز معنا می‌دهد؛ به اعتقاد وی کرامت کامل انسان در عین حال که به معنای حق رأی و حق آزادی عقیده است، به معنای حق آموزش و حق بهداشت و رفاه نیز می‌باشد. در حقیقت کرامت انسان به معنای برخورداری از کلیه‌ی

۱. سیدعلی موسوی، محقق مرکز مطالعات حقوقی و بین‌المللی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

2. Boutros Boutros Ghali

حقوق و عاری از هرگونه تبعیض است و توسعه‌ی صحیح به یک پایه‌ی استوار از دموکراسی و مشارکت عمومی نیازمند است.^(۲) از این سخن می‌توان دریافت که حقوق بشر و توسعه دو مفهوم مرتبط با هم بوده و تحقق تمامیت حقوق بشر، مستلزم توسعه‌ی کامل جوامع بشری در کلیه‌ی ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است.

بررسی تحول تاریخی حق توسعه

حق توسعه قریب به دو دهه است که مورد توجه قرار گرفته و این امر به خاطر ضرورت اصلاح نظام اقتصادی بین‌المللی می‌باشد. اعتقاد به وجود حق توسعه را اولین بار وزیر امور خارجه‌ی سنگال در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۶، ابراز داشت.^(۳) مفهوم حق توسعه بلافاصله مورد حمایت کشورهای در حال توسعه، کشورهای سوسیالیستی و برخی کشورهای غربی قرار گرفت.^(۴) البته بعد از این که وزیر امور خارجه‌ی سنگال این مفهوم را مطرح نمود، اشخاص دیگری نیز بحث در زمینه‌ی این مفهوم را ادامه دادند. برای مثال در سال ۱۹۷۲ کبا ایم، بای^۱ اولین رییس دیوان عالی سنگال و معاون مؤسسه‌ی بین‌المللی حقوق بشر و عضو کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در زمینه‌ی حق توسعه به ایراد سخنرانی پرداخت. هم‌چنین اشخاصی از قبیل هکتور گروس اسپیل،^۲ ژرژابی صعب،^۳ ویل زروی^۴ نیز در زمینه‌ی جوهره و محتوای حق توسعه، مطالعه و تحقیق کرده‌اند.^(۵)

همان طور که قبلاً بیان شد، بحث در زمینه‌ی مفهوم حق توسعه مستلزم توجه به مباحث توسعه و حقوق بشر و رابطه‌ی بین این دو می‌باشد. برای اولین بار در کنفرانس حقوق بشر تهران در سال ۱۹۶۸ به این موضوع توجه شد و در قطعنامه‌ی این کنفرانس اظهار شد که برخورداری از حقوق اجتماعی و اقتصادی به طور جوهری در ارتباط با برخورداری از حقوق سیاسی و مدنی است و یک رابطه‌ی عمیق بین تحقق حقوق بشر و توسعه‌ی اقتصادی وجود

1. Keba M. Baye

2. Hector Gros Espiell

3. George Abi Caab

4. Wil Zerwey

دارد، کنفرانس اشاره کرد که بسیاری از ابنای بشر در وضعیت فقر، بیماری‌ها و بی‌سوادی، زندگی می‌کنند و یک شکاف بزرگ میان استانداردهای زندگی در کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه وجود دارد که با وجود چنین شکافی برخورداری جهانی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، یک امید بیهوده خواهد بود. هم‌چنین کنفرانس مشخص می‌کند که مسؤولیت جمعی جامعه‌ی بین‌المللی جهت حصول اطمینان از به دست آوردن حداقل استانداردهای ضروری زندگی برای برخورداری از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی توسط همه‌ی افراد در سراسر جهان صورت می‌پذیرد.^(۶)

یک سال بعد، کمیسیون حقوق بشر اعلام کرد که برخورداری حیاتی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر آمده است به طور قابل توجهی بستگی به توسعه‌ی سریع اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه که بیش از نیمی از جمعیت جهان را در خود جا داده‌اند، دارد. هم‌چنین برحسب نیاز مجمع عمومی، کمیسیون حقوق بشر از سال ۱۹۷۹ موضوعات مربوط به حوزه و محتوای حق توسعه به عنوان یک حق بشر را مورد مطالعه قرار داد. در این مورد گزارش‌های تهیه شده توسط دبیرکل را درباره‌ی موضوع «ابعاد بین‌المللی، منطقه‌یی و ملی حق توسعه به عنوان یک حق بشر» دریافت نمود و آنها را در کنار گزارش همایشی پیرامون نظام غیرعادلانه‌ی اقتصاد بین‌الملل و موانع اجرا و تحقق حقوق بشر که در ژنو در سال ۱۹۸۰ برگزار گردید، مورد توجه قرار داد. در سال ۱۹۸۱، کمیسیون، یک گروه کاری متشکل از ۱۵ کارشناس دولتی که به‌وسیله‌ی رییس کمیسیون منصوب شدند، تشکیل داد. این گروه کاری موظف بود که در زمینه‌ی حوزه و محتوای حق توسعه مطالعه نماید. گروه کاری تا ۳۱ دسامبر ۱۹۸۳ هفت جلسه تشکیل داد، ولی نتوانست کلیه‌ی ابعاد و جوانب وظیفه‌اش را تکمیل نماید.^(۷)

مبحث حق توسعه تا اواسط دهه‌ی ۸۰ به صورت پراکنده در اجلاس‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح می‌گردید.^(۸) ولی چندان حایز اهمیت نبود. اما این امر مقدمه‌یی برای طرح و تصویب «اعلامیه‌ی حق توسعه» در ۴ دسامبر ۱۹۸۶ در قطعنامه‌ی شماره‌ی ۴۱/۱۲۸ شد.

اعلامیه‌ی حق توسعه

تصویب اعلامیه‌ی حق توسعه، نقطه‌ی عطفی را که در آن یک راه جدید در توجه به مفهوم توسعه می‌باشد، روشن ساخت. این امر از یک طرف مربوط به شکست سیاست‌های توسعه چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی بود و از طرف دیگر در ارتباط با رشد فقر در بیشتر جوامع انسانی و تمرکز ثروت و قدرت در عده‌ی قلیلی بود. در حقیقت، با تصویب اعلامیه‌ی حق توسعه، جامعه‌ی بین‌المللی برای اولین بار این نظر را مورد درخواست قرار داد که هدف اولیه و اساسی فعالیت اقتصادی باید افزایش و بهبود شاخص‌های مالی و اقتصادی باشد.^۱

در این اعلامیه که مشتمل بر یک مقدمه و ده ماده است،^(۹) به اسناد بین‌المللی هم‌چون منشور ملل متحد، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و هم‌چنین کلیه‌ی موافقتنامه‌ها، کنوانسیون‌ها، قطعنامه‌ها و توصیه‌های مربوطه‌ی سازمان ملل متحد توجه شده و با یادآوری و تأکید مجدد بر مفاد آنها به تعریف توسعه به عنوان یک فرآیند جامع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی می‌پردازد و هدف آن را بهبود کامل رفاه کل مردم اعلام می‌نماید. هم‌چنین اعلامیه بر حق ملت‌ها بر خود مختاری و تعیین وضعیت و سرنوشت سیاسی خود و اعمال حاکمیت کامل بر کلیه منابع و ثروتهای طبیعی یادآوری می‌شود. اعلامیه اظهار می‌دارد که یک ارتباط نزدیک بین خلع سلاح و توسعه وجود دارد و پیشرفت و موفقیت در امر خلع سلاح باعث پیشرفت در زمینه‌ی توسعه می‌شود. اعلامیه، به مسؤولیت اولیه و اساسی دولت‌ها در ایجاد شرایط مساعد مناسب جهت توسعه اشاره و بر ایجاد یک نظم جدید اقتصادی بین‌المللی تأکید گردیده است.

اعلامیه هدف فعالیت اقتصادی را مجدداً تعریف می‌کند. هدف فعالیت اقتصادی فقط در ارتباط با رشد و بهبود نیست بلکه دستیابی به اهداف اجتماعی و انسانی از طریق بهبود افزایش رفاه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی افراد، گروه‌ها و ملت‌هاست. اعلامیه هم‌چنین تصریح می‌کند که این اهداف باید به وسیله‌ی خود ملت‌ها مشخص و منافعشان به

۱. ترجمه‌ی اعلامیه‌ی حق توسعه به طور کامل، در انتها درج شده است.

طور برابر توزیع گردند.^(۱۰)

بنابراین هدف توسعه فقط شایستگی مالی و بهبود شاخص‌های اساسی اقتصاد کلان مثل تولید ناخالص ملی، تراز تجاری و تراز پرداخت‌ها نیست. هدف این فرآیند پیچیده به طور اساسی و جوهری از طریق مشارکت فعال کل مردم به منظور ایجاد یک نظام دموکراتیک کنترل شده با هدف برقراری عدالت اجتماعی، برابری، رفاه و احترام به کرامت اساسی کلیه افراد، گروه‌ها و ملت‌هاست.^(۱۱)

مفاهیم کلیدی اعلامیه‌ی حق توسعه که در این دیدگاه نوین منعکس می‌شود، شامل تشخیص روابط متقابل و منسجم حقوق بشر و توسعه می‌باشد، همان‌طور که حقوق سیاسی و مدنی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح فردی انفکاک‌ناپذیر و به هم پیوسته می‌باشند.

اعلامیه‌ی حق توسعه بر تعدادی از اصول اساسی حقوق بشر که توسعه بر مبنای آنهاست مثل عدم تبعیض، برابری، انصاف، عدالت اجتماعی، خودکفایی و همبستگی تأکید و بیان می‌دارد که حق تعیین سرنوشت ملت‌ها در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در قلب شناسایی حق توسعه واقع می‌شود. یک رهیافت هدفدار توسعه‌ی حقوق بشر باید به این صورت تشخیص داده شود که همه‌ی ملت‌ها حق جهانی دارند که نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود را تعیین نمایند و سیاست‌های خود را با در نظر گرفتن وضعیت و نیازهای ویژه‌ی خود بدون مداخله‌ی خارجی، اجبار یا تهدیداتی تنظیم، تصویب و اتخاذ نمایند.^(۱۲)

هم‌چنین اعلامیه‌ی حق توسعه وجود روابط متقابل و لاینفک بین عدالت اجتماعی در سطوح ملی و بین‌المللی را تصدیق می‌نماید. حصول عدالت اجتماعی بین‌المللی مستلزم تغییرات ساختاری در سطح بین‌المللی به منظور تجدید مدل روابط اقتصادی در پایه‌های همکاری و همبستگی می‌باشد. اعلامیه تأکید بر اطمینان حاصل کردن از گسترش مؤثر حقوق اساسی بشر و توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد و از این رو ایجاد یک نظم نوین اقتصادی بین‌المللی را که بر اساس حاکمیت برابر کشورها و احترام به کلیه‌ی حقوق ملت‌ها باشد، ضروری می‌داند. نظم نوین اقتصاد بین‌الملل باید قادر باشد که توسعه‌ی فراگیر

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همه‌ی ملت‌ها و دولت‌ها را بر اساس آرمان‌ها و آرزوهایشان برای بشریت تضمین نماید. (۱۳)

محتوای حق توسعه

در بررسی عناصر مربوط به تعریف و تعیین حق توسعه بیان می‌دارند که حق توسعه یک حق اساسی، پیش شرط و پیش نیاز آزادی، پیشرفت، عدالت و خلاقیت است. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حق توسعه این است که مردم و به طور کلی هر ملتی حق دارد که به طور آزادانه نظام اقتصادی و اجتماعی خود را برای توسعه، بدون هیچ مداخله‌ی و با آزادی انتخاب نماید. (۱۴) در حقیقت این نکته، حق تعیین سرنوشت را که در اعلامیه‌ی حق توسعه اشاره گردید، مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد. به طوری که می‌توان گفت حق توسعه یک حق لاینفک و ملهم از حق تعیین سرنوشت است؛ این امر حق توسعه را حقی بالاتر و بیشتر از حق یک دولت و یا یک ملت معرفی می‌نماید و هر فرد مستحق برخورداری از این حق می‌گردد. (۱۵)

در بررسی محتوای حق توسعه، به جاست که به بررسی مبانی آن نیز پرداخته شود. به اعتقاد نگارنده، مهم‌ترین مبناى حق توسعه، همبستگی بین‌المللی است. همبستگی بین‌المللی در حقیقت، نیاز متقابل ملت‌ها را مدنظر قرار می‌دهد. بر این اساس می‌توان حق توسعه را بر مبناى همبستگی بین‌المللی در سه مرحله مورد شناسایی قرارداد:

الف) وابستگی متقابل، نتیجه‌ی طبیعت اقتصاد جهانی؛

ب) وظیفه‌ی جهانی برای کلیه‌ی دولت‌ها به منظور توسعه‌ی اقتصاد جهان، که توسعه را به معنای کلمه، یک مسأله بین‌المللی می‌سازد؛

ج) حفظ و صیانت نوع بشر به عنوان پایه‌ی حق توسعه؛ (۱۶)

در بررسی محتوای حق توسعه و مبانی آن می‌توان بعد از مفهوم همبستگی متقابل به مفهوم عدالت اجتماعی اشاره نمود. بررسی ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی عدالت اجتماعی در نظام بین‌الملل، مستلزم مباحثی پایه‌یی می‌باشد که خارج از بحث این مقاله است. سؤالی که در بررسی مفهوم حق توسعه مطرح می‌گردد این است که آیا این حق دارای

ماهیت فردی است یا جمعی؟ آنتونیو کاسسه^۱ در کتاب خود - حقوق بین‌الملل در جهان نامتحد - بیان می‌کند که حق توسعه را نمی‌توان به عنوان یک حق فردی در نظر گرفت زیرا که این حق در حقیقت با جمع کردن حقوق مشخص شده در دو میثاق بین‌المللی به خصوص میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به وجود آمده است و در نتیجه مفهوم حق توسعه چیزی بیشتر از حرف کشورهای غربی به منظور گسترش تحقق آن و وادار کردن کشورهای دیگر جهت تصویب و انجام دو میثاق بین‌المللی نیست. از طرف دیگر نمی‌توان حق توسعه را به عنوان یک حق جمعی ملت‌های کشورهای در حال توسعه در نظر گرفت زیرا که در حقیقت ملت‌ها را نمی‌توان به عنوان یک بخش مجزا از دولت‌ها، در نظام حقوق بین‌الملل تحت عنوان اشخاص حقوقی در نظر گرفت، مگر این که مردم در یک رژیم نژاد پرست یا رژیم اشغالگر خارجی و مانند آن حضور داشته باشند. پس مردم کشورهای مستقل، بخش جدایی از حکومت‌هایشان نیستند که به طور فعال در موضوعات بین‌المللی مشارکت داشته باشند، چون حق توسعه یک موضوع بین‌المللی است، پس نوعاً مربوط به نمایندگان ملت‌ها یعنی دولت‌ها می‌باشد. (۱۷)

هکتور گروس اسپیل در همین زمینه می‌گوید که نزاع اولیه‌یی که در تجزیه و تحلیل متدولوژیک در زمینه‌ی عناصر و محتوای حق توسعه به وجود می‌آید این است که آیا یک ناسازگاری در یک حق که به طور هم‌زمان هم دارای ماهیت جمعی و هم ماهیت فردی است، وجود دارد؟ حق جمعی به این معناست که این حق مربوط به اشخاص حقوقی و جمعی حقوق بین‌الملل مثل دولت‌ها می‌باشد و حق فردی به معنای این است که فقط مربوط به انسانها است و نظریه پردازان حقوقی اعتقاد داشته‌اند که یک حق به طور هم‌زمان نمی‌تواند هم حق جمعی و هم حق فردی باشد. این نظر از دید حقوق بین‌الملل، سنتی غیر معمول و چندان هم قابل دفاع و حمایت نبود. در سال‌های اخیر، نظر بسیاری از حقوقدانان سنتی رد شده و موضع مخالف، مسلط گردیده است و بیان شد که تقسیم‌بندی حقوق بشر به حقوق جمعی و حقوق فردی مبتنی بر شخصیت حقوقی دولت‌ها و اعضای جامعه، یک تقسیم‌بندی نارسا

1. Antonio Cassese

می‌باشد.^۱ این تقسیم‌بندی با جوهره و ماهیت حقوق بشر تعارض دارد چرا که حقوق فردی افراد به نوعی حقوق جمعی یک جامعه نیز می‌باشد. در نتیجه بعضی از انواع حقوق مانند حق تعیین سرنوشت و حق اجتماع آزادانه به عنوان حقوقی که دارای دو ماهیت جمعی و فردی هستند، اعلام گردید و بر این اساس حق توسعه نیز به عنوان حقی که دارای دو ماهیت جمعی و فردی می‌باشد، در نظر گرفته شد.^(۱۸) هم‌چنین در مشاوره‌ی جهانی برای حق توسعه که در ژنو در سال ۱۹۹۰ برگزار گردید، حق توسعه را به عنوان حق جمعی و فردی اعلام نمودند.^(۱۹) به طور کلی حق توسعه از دو ماهیت جمعی و فردی برخوردار گردید.

بر اساس همین ویژگی، حق توسعه، حق افراد، گروه‌ها و ملت‌ها برای مشارکت، مساعدت و برخورداری از توسعه‌ی مداوم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که در آن کلیه‌ی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به طور کامل تحقق می‌یابد. این امر شامل کلیه‌ی حقوق اعم از حق مشارکت مؤثر در همه‌ی ابعاد توسعه و کلیه‌ی مراحل فرآیند های تصمیم‌گیری، حق برخورداری از فرصت‌های برابر و دسترسی به منابع، حق توزیع عادلانه‌ی ثمرات توسعه، حق احترام به حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حق محیط زیست که در آن کلیه‌ی حقوق مزبور تحقق می‌یابد. همه‌ی عناصر حق توسعه اعم از حقوق بشر و توسعه‌ی همه جانبه مکمل و وابسته به یکدیگر هستند و به همه‌ی انسان‌ها قطع نظر از ملیت آنها عرضه می‌شوند.

پس به طور کلی می‌توان بیان کرد که محتوای حق توسعه، ترکیبی از اصول و مبانی حقوق بشر و نیاز اساسی و فطری انسان به توسعه و پیشرفت است. تحقق و عملی ساختن حقوق بشر و توسعه، زمینه‌ساز صلح و امنیت جوامع انسانی می‌شود.

منابع حقوقی حق توسعه

اگر چه حق توسعه با آن مفهوم و معنایی که در این پژوهش به آن پرداخته شده است، به طور صریح در اسناد بین‌المللی معتبر که جنبه‌ی حقوقی بیشتری دارند، نیامده است، اما

۱. جین ریورو (Jean Rivero) تقسیم‌بندی حقوق بشر به فردی و جمعی را یک تقسیم‌بندی ناصحیح اعلام نمود.

می توان به بعضی از این اسناد اشاره داشت؛ زیرا به صورت تلویحی، در آنها به تحقق توسعه و همچنین رعایت حقوق بشر اشاره شده است.

در فصل نهم منشور ملل متحد با عنوان همکاری اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی، در ماده‌ی ۵۵ آمده است: «با توجه به ضرورت ایجاد ثبات و رفاه برای تأمین روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین‌المللی بر اساس احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل، سازمان ملل متحد امور زیر را تشویق خواهد کرد:

الف) بالا بردن سطح زندگی، فراهم ساختن کار برای همه، حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی؛

ب) حل مسایل بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و مسایل مربوط به آنها و همکاری بین‌المللی فرهنگی و آموزشی؛

ج) احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب؛

همچنین در ماده‌ی ۵۶ منشور نیز آمده است: «کلیه‌ی اعضای محترم متعهد می شوند که برای نیل به مقاصد مذکور در ماده‌ی ۵۵ در همکاری با سازمان ملل متحد اقدام‌های ضروری یا دسته جمعی معمول دارند». با توجه به این دو ماده از منشور ملل متحد، می توان بیان کرد که معنا و مفهوم اصلی حق توسعه تلویحاً در منشور ملل متحد ذکر گردیده است زیرا با توجه به تعریف و محتوای حق توسعه که قبلاً به آن پرداخته شد، امور مورد تشویق قرار گرفته در حقیقت نشان‌دهنده‌ی ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی توسعه می باشند و نکته‌ی مهم‌تر این که در ماده‌ی ۵۶، دولت‌های عضو را متعهد به انجام آنها به صورت‌های فردی و جمعی می نماید.

دومین منبع تلویحی حق توسعه ماده‌ی ۲۲ از اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر است. (۲۰) در این ماده آمده است: «هر کس به عنوان عضو اجتماع، حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله‌ی مساعی ملی و همکاری بین‌المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه‌ی مقام و نمو آزادانه‌ی شخصیت اوست، با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور به دست آورد». هر چند در این ماده از اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به حق افراد در

بهره‌مند شدن از منابع قابل دسترس اشاره گردیده است، اما با توجه به مفاهیمی چون مساعی ملی، همکاری بین‌المللی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌توان به نوعی سازگاری با محتوای حق توسعه پی برد. البته در اینجا می‌توان به ماده‌ی ۲۸ همین اعلامیه نیز اشاره داشت که به اعتقاد جک دانلی^۱ منبع تلویحی حق توسعه است. (۲۱)

در همین راستا، می‌توان ماده‌ی اول از میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نیز در زمره‌ی منابع حق توسعه در نظر گرفت. در بند اول از این ماده آمده است: «همه‌ی ملت‌ها دارای حق تعیین سرنوشت می‌باشند و به موجب این حق آنها آزادانه می‌توانند موقعیت سیاسی خود را تعیین نمایند و آزادانه در پی توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشند. هم‌چنین ماده‌ی ۱۱ این میثاق، کلیه‌ی کشورهای عضو حق برخورداری از یک سطح و استاندارد مناسب و کافی از زندگی برای همه‌ی انسان‌ها و خانواده‌هایشان را مورد شناسایی قرار می‌دهد که شامل غذای کافی، پوشاک، مسکن و بهبود مستمر شرایط زندگی می‌شود.

عمده‌ی منابع حقوقی حق توسعه قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌باشند. این قطعنامه‌ها در مراحل اولیه‌ی وجود و تکامل حق توسعه حایز اهمیت هستند. (۲۲) اگر چه قطعنامه‌های مجمع عمومی به عنوان منبع حقوق بین‌الملل در نظر گرفته نمی‌شوند، اما حقوق‌دانان معتقدند که قطعنامه‌ها انعکاس افکار عمومی جهان بوده و در درازمدت اثر حقوقی دارند؛ این انعکاس به عنوان اجماع و اتفاق نظر از ناحیه‌ی دولت‌ها در نظر گرفته می‌شوند، گرچه اجماع مطلقاً در مورد موضوع قطعنامه وجود ندارد؛ اما به طور کلی باید به نوع و ماهیت قطعنامه دقت و هم‌چنین به اتفاق آرا بودن آن توجه گردد. روند کنونی بر این است که برخی از قطعنامه‌ها منبع آمرانه‌ی^۲ رای حقوق بین‌الملل می‌باشد و آثار دراز مدت آن می‌تواند به عنوان عرف بین‌الملل در نظر گرفته شود. هم‌چنین دیوان بین‌المللی دادگستری آن را به عنوان ضابطه‌ی مترقی و مدرن معرفی می‌کند. (۲۳)

مفهوم حق توسعه برای اولین بار به طور رسمی در قطعنامه‌ی ۳۶/۱۳۳ مجمع

1. Jack Donnelly

2. Compulsory Source

عمومی در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۸۱ ذکر گردید و پس از آن در قطعنامه های مختلفی در کنار موضوع حقوق بشر آورده شد؛^(۲۴) و سرانجام در قطعنامه‌ی ۴۱/۱۲۸ مجمع عمومی در تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۸۶ «اعلامیه‌ی حق توسعه» به تصویب اکثریت اعضای مجمع رسید. از آن پس در هر اجلاس مجمع عمومی یک قطعنامه تحت عنوان حق توسعه به تصویب مجمع رسیده است که عبارتند از: ۴۱/۱۳۳ مورخ ۴ دسامبر ۱۹۸۶، ۴۲/۱۱۷ مورخ ۷ دسامبر ۱۹۸۷، ۴۳/۱۲۷ مورخ ۸ دسامبر ۱۹۸۸، ۴۴/۶۲ مورخ ۸ دسامبر ۱۹۸۹، ۴۵/۹۷ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰، ۴۶/۱۲۳ مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۱، ۴۷/۱۲۳ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲، ۴۸/۱۳۰ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳، ۴۹/۱۸۳ مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۹۴، ۵۰/۱۸۴ مورخ ۲۲ دسامبر ۱۹۹۵، ۵۱/۶۱۹ مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۹۶، ۵۲/۶۴۴ مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۹۷. در قطعنامه‌های مزبور ضمن در نظر گرفتن اعلامیه‌ی حق توسعه و هر فعالیتی که در زمینه‌ی تحقق حق توسعه صورت گرفته است مانند مشاوره‌ی جهانی حق توسعه، گروه کاری حق توسعه و هم‌چنین کنفرانس‌های بین‌المللی که در زمینه‌ی حقوق بشر یا توسعه بوده‌اند، بر اهمیت و ضرورت اجرا و تحقق حق توسعه در کل جهان به ویژه در کشورهای در حال توسعه تأکید شده و در بعضی از قطعنامه‌ها وظایفی را برای بخش‌های مختلف سازمان ملل متحد مانند کمیسیون حقوق بشر در مورد تحقق حق توسعه مشخص گردیده است مانند قطعنامه‌ی شماره‌ی ۶۲/ مورخ ۸ دسامبر ۱۹۸۹ که کمیسیون حقوق بشر را به برگزاری مشاوره‌ی جهانی حق توسعه ملزم نموده و ابراز امیدواری کرده است در اجرا و گسترش اعلامیه‌ی حق توسعه مؤثر گردد.

در پنجاهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ی شماره‌ی ۵۰/۱۸۴ در تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۹۵ تحت عنوان حق توسعه به تصویب مجمع رسید. در این قطعنامه ضمن اشاره به قطعنامه‌های قبلی حق توسعه، مشاوره‌ی جهانی حق توسعه، اعلامیه‌ی ریو در زمینه‌ی توسعه و محیط زیست، اعلامیه و برنامه‌ی عمل وین، برنامه‌ی عمل کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه‌ی قاره، اعلامیه‌ی کنهنگ در باره‌ی توسعه‌ی اجتماعی و اعلامیه و خط مشی عمل کنفرانس زنان پکن را برنامه‌های مرتبط با تحقق جهانی حق توسعه اعلام می‌نماید و مجدداً بر اهمیت حق توسعه تأکید کرده و وظایفی را برای

دبیرکل سازمان ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر و کمیساریای عالی حقوق بشر تعیین می‌کند. (۲۵)

البته حق توسعه در قطعنامه‌های دیگر مجمع عمومی که موضوع آن در ارتباط با حقوق بشر یا توسعه بوده‌اند، ذکر گردیده و از آن به عنوان یک حق اساسی و انتقال‌ناپذیر بشر نامبرده شده است. (۲۶)

از دیگر منابع حقوقی حق توسعه می‌توان به اعلامیه‌های بین‌المللی و منطقه‌یی اشاره نمود. در سال ۱۹۶۹ مجمع عمومی اعلامیه‌ی پیشرفت و توسعه‌ی اجتماعی را تصویب و اعلان کرد که به موجب آن همه‌ی ملت‌ها و اشخاص باید از حق استفاده از ثمرات و نتایج پیشرفت اجتماعی برخوردار باشند و باید در تحقق و اجرای آن مشارکت نمایند. (۲۷) هم‌چنین در مواد ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ از اعلامیه و برنامه‌ی اقدام وین مصوب کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین ۱۹۹۳ در زمینه‌ی حق توسعه می‌باشند. در این مواد از حق توسعه به عنوان یک حق جهانی و انتقال‌ناپذیر یاد شده است. (۲۸) هم‌چنین از اعلامیه‌های منطقه‌یی می‌توان از اعلامیه‌ی آمریکایی حقوق و وظایف بشر و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نام برد. (۲۹)

دیدگاه‌های مختلف در زمینه‌ی حق توسعه

تقریباً از همان اوایل مطرح شدن حق توسعه در مجامع و کنفرانس‌های بین‌المللی دو گروه موافق و مخالف با این حق به وجود آمدند. گروه موافق حق توسعه متشکل از کشورهای در حال توسعه و گروه مخالف مشتمل بر کشورهای صنعتی و توسعه یافته بودند. کشورهای صنعتی معتقدند که آزادی‌های سیاسی و مدنی شرط لازم برای رسیدن به توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی است. در صورتی که کشورهای در حال توسعه خلاف این نظریه را عنوان می‌کنند. آنها بر این باورند که برای رسیدن به دموکراسی واقعی و اعاده‌ی حقوق شهروندان باید حداقل ضروریات زندگی را که منطبق بر استانداردهای جهانی است، تأمین نمایند. جهان سوم، حقوق همبستگی، به ویژه حق توسعه را لازمی نظام بین‌الملل جدید عادلانه‌یی می‌داند که برای رسیدن به آن تفکیک حقوق بشر فردگرایانه و کلاسیک از حقوق جمعی یا حقوق همبستگی غیرممکن می‌داند. (۳۰)

کشورهای صنعتی و توسعه یافته با تأکید بر ضرورت تحقق حقوق سیاسی و مدنی، حتی در آرای اعلامیه‌ی حق توسعه در قطعنامه‌ی شماره‌ی ۴۱/۱۲۸ مجمع عمومی یا مخالف و یا ممتنع بودند. این اعلامیه که در حقیقت مهم‌ترین منبع حق توسعه است و تعریف و محتوای حق توسعه را تبیین می‌نماید، با ۱۴۶ رأی مثبت از طرف کشورهای در حال توسعه و جهان سوم به تصویب رسید؛ کشور ایالات متحده رأی منفی داد و کشورهای دانمارک و فنلاند، جمهوری فدرال آلمان، ایسلند، فلسطین اشغالی (اسرائیل)، ژاپن، سوئد و انگلیس رأی ممتنع دادند. همچنین در قطعنامه‌ی شماره‌ی ۴۱/۱۳۳ تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۸۶ مجمع عمومی، رفتار مشابهی داشتند. کشورهای توسعه یافته به قطعنامه فوق یا رأی منفی یا ممتنع دادند، زیرا به موجب آن مسؤلیت‌هایی برای آنها به وجود می‌آمد و عملاً ملزم به انجام و رعایت آن می‌شدند. کشورهایی که رأی منفی دادند عبارتند از: بلژیک، کانادا، فرانسه، جمهوری فدرال آلمان، ایتالیا، ژاپن، لوگزامبورگ، سوئیس، پرتغال، انگلیس و ایالات متحده و کشورهایی که رأی ممتنع دادند شامل استرالیا، اتریش، باهاماس، دانمارک، فنلاند، یونان، ایسلند، ایرلند، فلسطین اشغالی (اسرائیل)، نروژ، اسپانیا و سوئد بودند. (۳۱) کشورهای توسعه یافته، همچنین در دیگر قطعنامه‌های مجمع عمومی که به نوعی به مسأله‌ی حق توسعه به صورت جدی پرداخته است، رفتارهای مشابهی داشته‌اند برای نمونه هر ساله قطعنامه‌ی تحت عنوان «رهیافت‌ها و شیوه‌ها و ابزارهای جانشینی در قالب نظام ملل متحد به منظور گسترش و بهبود مؤثر از برخورداری از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی ۱۹۴۸» در کمیته‌ی سوم تدوین و به تصویب مجمع عمومی می‌رسد که با مخالفت کشورهای توسعه یافته مواجه می‌شود. (۳۲)

این سنجش آرا نشان دهنده‌ی این واقعیت است که کشورهای شمال در پی پذیرفتن مسؤلیت جهت توسعه‌ی کشورهای جنوب به منظور تحقق کلیه‌ی حقوق انسانی نمی‌باشند و به طرق مختلف دیدگاه‌های مخالف خود را در تضعیف اولویت تحقق حق توسعه مطرح می‌سازند. کشورهای صنعتی، حقوق مدنی و سیاسی را بنیانگذار و مقدمه‌ی استواری برای

1. Alternative Approaches and Ways and Means Within the united Nations System for Improving the Effective Enjoyment of Human Rights and Fundamental freedoms.

ایجاد رفاه اجتماعی و آزادی می‌دانند و از این دیدگاه توسعه فقط آن هنگام به‌دست می‌آید که انرژی‌های افراد از طریق آزادی‌های سیاسی و مدنی آزاد و به‌کارگرفته شوند. ایالات متحده در تصویب اعلامیه‌ی ریو به اکثریت پیوست اما موضعش را با بیان این که توسعه یک حق نیست، مشخص کرد و افزود که در حقیقت توسعه هدفی است که به وسیله‌ی کلیه‌ی کشورها پی‌گیری می‌شود و تحقق آن به‌طور عمده بستگی به گسترش و حمایت از حقوق بشر که در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر آمده است، دارد (۳۳). کشورهایی که به برتری حقوق سیاسی و مدنی توجه دارند، معتقدند که بدون این حقوق، به دولت‌های اقتدارگرا (استبدادی) اجازه داده می‌شود که بر مسند قدرت بمانند و همین امر مانعی برای توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. آنها ابراز می‌دارند که توانایی مبارزه با استبداد، فساد و تنزل محیط و استعمال سوء از زمین و شرایط کاری، به اعمال آزادی‌های سیاسی و مدنی بستگی دارد. (۳۴) بر این اساس نماینده‌ی ایالات متحده در کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۹۲ گفت: حکومتی که از حقوق سیاسی و مدنی حمایت می‌کند، محیط مناسبی برای توسعه به‌وجود می‌آورد. در واقع حقوق سیاسی و مدنی فراهم‌آورنده‌ی رفاه اقتصادی و اجتماعی هستند. هم‌چنین نماینده‌ی انگلیس ابراز کرد دولت‌ها نباید فراتر از قلمرو مناسبشان گام نهند و یک شهروند معمولی برای ایفای یک نقش کامل در فرآیند توسعه، تشویق و تحریک نمی‌شود مگر این که حقوق بشر در یک نظام باز و حقوقی عادلانه‌ی مورد احترام قرار گیرند و حفظ شوند. (۳۵)

از طرف دیگر، همان سنجش آرا بیان‌کننده‌ی این نکته است که اکثریت کشورهای در حال توسعه که بیش از ۱۳۰ کشور جهان را تشکیل می‌دهند با حق توسعه موافق بوده و در پی توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی خود می‌باشند. طبق دیدگاه کشورهای در حال توسعه، فرآیند توسعه یک فرآیند فراگیر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در نظر گرفته می‌شود و آن یک حق اساسی و لاینفک بشر است. نماینده‌ی نیجریه در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ گفت که جهان، نقض حقوق بشر را فقط برحسب شکنجه، نفی آزادی شخصی، زندان بدون دادگاه و محاکمه، ناپدید شدن بی‌اختیار تعبیر می‌کند؛ این در حالی است که جهان حق اساسی توسعه را چشم‌پوشی کرده و از توسعه‌ی ملی کشورها جلوگیری به عمل آورده است. نماینده‌ی پاکستان نیز با همین نظر ضمن بیان این که حق توسعه به عنوان یک

پیش نیاز برای حقوق سیاسی و مدنی است، گفت تحقق حق توسعه امری است که کل بشر را به طور قابل توجهی رشد می‌دهد؛ هم‌چنین به اعتقاد نماینده‌ی مکزیکی، حق توسعه، عقلایی‌ترین راه برای ایجاد ثبات و گسترش رفاه و تشویق دموکراسی و افزایش رشد اقتصادی است. (۳۶)

به طور کلی نمایندگان کشورهای در حال توسعه خواستار رفع شکاف عظیم اقتصادی بین جنوب فقیر و شمال ثروتمند هستند و از آن به عنوان بزرگ‌ترین سد حفظ و تحقق حق توسعه نام می‌برند و بر این اعتقادند که به طور روز افزونی سیاست‌های کشورهای شمال، اهداف توسعه‌ی کشورهای جنوب را تحت فشار قرار داده‌اند که به طور جدی رشد اقتصادی آنها را کاهش می‌دهد. (۳۷) کشورهای در حال توسعه استدلال می‌نمایند که وضعیت کنونی اقتصاد جهان موجب گسترش حقوق بشر نمی‌شود. زیرا که بدهی‌های خارجی کشورهای در حال توسعه در حال حاضر بالغ بر ۱/۶ تریلیون دلار است؛ قیمت‌های مواد اولیه و خام که اقتصاد عمده‌ی کشورهای در حال توسعه به صدور آنها بستگی دارد، به پایین‌ترین سطح خود از دهه‌ی ۱۹۴۰ تاکنون تنزل کرده است؛ در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، صدها میلیون نفر با فقر شدید گریبانگیر هستند. با توجه به این وضعیت در کشورهای در حال توسعه، ضرورت توجه به تحقق حق توسعه افزایش می‌یابد اما با وجود تعارضات شمال- جنوب نمی‌توان به این ضرورت جامه‌ی عمل پوشاند.

موانع تحقق حق توسعه

موضوع موانع تحقق حق توسعه هم در نشست مشاوره‌ی جهانی حق توسعه و هم در دو اجلاس گروه کاری حق توسعه مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در گزارش مشاوره‌ی جهانی حق توسعه در زمینه‌ی موانع حق توسعه به موارد زیر اشاره شده است:

- عدم احترام به حق ملت‌ها در زمینه‌ی تعیین سرنوشت خود و حق حاکمیت دایمی بر منابع طبیعی؛
- نقض‌های آشکار و عظیم حقوق بشر مانند تبعیض نژادی (آپارتاید)، اشغال خارجی؛

- عدم توجه به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به طور اعم و حق توسعه به طور
 اخص که می‌تواند باعث بی‌ثباتی و نزاع گردند؛
- عدم اجرا و احترام به اصول دموکراسی؛
- اتخاذ راهبرد نامناسب و مخرب توسعه که در حقیقت حقوق بشر را در ازای
 توسعه‌ی اقتصادی قربانی می‌کند. زیرا که در این مدل به جوانب اجتماعی، فرهنگی و سیاسی
 حقوق بشر و توسعه انسانی توسعه توجهی نشده است و بعد انسانی را به منظور خواسته‌های
 تولیدی محدود کرده‌اند؛
- انتقال کنترل منابع موجود در کشورهای در حال توسعه به نفع کشورهای توسعه
 یافته؛

- عدم در نظرگیری اصول حق توسعه در موافقتنامه‌های پرداخت بدهی‌های خارجی
 و تعدیل ساختاری بین کشورها، بانک جهانی، صندوق جهانی پول و بانک‌های بازرگانی؛
 هم‌چنین به موانع دیگری چون تمرکز قدرت سیاسی، اقتصادی در بیشتر کشورهای
 صنعتی، تقسیم بین‌المللی کار و وظایف بین مؤسسات برتون وودز^۱، فرار مغزها که منجر به
 رشد اختلاف دستمزدها و سطوح درآمد در میان کشورهای می‌شود، محدودیت‌های انتقال
 فن‌آوری، شیوه‌های مخصوص حفظ و فن‌آوری و آثار زیان‌بار مصرف‌الگوهای بیشتر
 کشورهای غربی و نبود ارتباط بین متخصصین حقوق بشر، توسعه‌ی اجتماعی و اقتصاد آنان
 در چارچوب سازمان ملل متحد، اشاره گردیده است. (۳۸)

گروه کاری حق توسعه در اولین اجلاس خود، موانع تحقق حق توسعه را در چهار گروه
 قرار داده است که عبارتند از:

- عوامل تهدیدکننده‌ی صلح و امنیت بین‌المللی؛
- نقض حق توسعه به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر و نبود سازوکارهایی جهت
 رسیدگی به آن؛
- نبود منابع قابل دسترسی جهت تحقق و عملی ساختن این هدف؛
- عملکرد ناموفق نهادهای ملی و بین‌المللی؛ (۳۹)

1. Berton Woods

هم‌چنین گروه کاری حق توسعه در اجلاس دوم، به بررسی موانع اجرای اعلامیه‌ی حق توسعه پرداخته و موانع تحقق حق توسعه را در سه سطح بین‌المللی، منطقه‌ی و ملی تقسیم نموده است. گروه کاری، ضمن بیان ظهور موانع جدید حق توسعه که نتیجه‌ی جهانی کردن اقتصاد جهانی بود، به بررسی وضعیت جامعه بین‌المللی و اهمیت آن در تحقق حق توسعه می‌پردازد و از آن به عنوان یکی از دو عامل مهم اجرای اعلامیه‌ی حق توسعه یاد می‌کند. در سطح منطقه‌ی، عدم همکاری مؤسسات منطقه‌ی با کشورهای در حال توسعه را به عنوان یکی از موانع تحقق توسعه اعلام می‌نماید و بیان می‌کند که توسعه در وضعیت کنونی، یک فرآیند چند بعدی است که فرآیندهای مختلفی چون صلح، رشد اقتصادی، حفظ محیط زیست، عدالت اجتماعی، دموکراسی و روابط شمال - جنوب در آن وارد می‌شوند و همین امر به طور طبیعی، همکاری بین کشورهای مختلف در یک منطقه جهت تحصیل توسعه را می‌طلبد.

در سطح ملی، گروه کاری حق توسعه، ضمن بیان این نکته که دولت‌ها مهم‌ترین عامل توسعه کشورهای در حال توسعه بوده و مسؤولیت اصلی تضمین آزادی‌های اساسی و احترام و رعایت حقوق بشر با آنهاست؛ به بررسی موانع تحقق حق توسعه پرداخته است. گروه کاری حق توسعه اعمال مستمر تبعیض علیه زنان، مردم بومی و اقلیت‌ها، نژادپرستی و تبعیض نژادی، عدم اجرای کامل حقوق بشر توسط بسیاری از دولت‌ها با وجود تصریح به اجرای آنها در قوانین اساسی شان، بیسوادی، بیکاری، عدم توزیع عادلانه‌ی زمین و درآمد و نبود مسکن کافی را به عنوان بخشی از موانع حق توسعه در سطحی ملی مشخص می‌کند. هم‌چنین گروه تأکید نموده که جدا سازی موضوعات اقتصادی و مالی، اجتماعی و انسانی در فرآیند فراگیر توسعه نیز به عنوان یک مانع تحقق حق توسعه است. در ادامه، فساد، سوء مدیریت، نبود یک محیط پاکیزه، سوء مدیریت در تخصیص منابع طبیعی و اجرای ضعیف معاهدات حفظ محیط زیست، جنگ‌های داخلی، کشمکش‌ها و درگیری‌های درون کشوری و نقض آشکار حقوق بشر را از دیگر موانع تحقق حق توسعه نام می‌برد.^(۴۰)

کشورهای در حال توسعه باید ضمن تأکید و ضرورت تحقق حق توسعه و تدوین کنوانسیون برای اجرای آن، مخالفت‌های کشورهای توسعه‌نیافته را نیز به عنوان یک مانع مهم

در سطح بین‌المللی مطرح سازند و همچنین در رفع موانع در سطح ملی همت نموده و تلاش نماید.

ساز و کارهای تحقق حق توسعه

بعد از تصویب و اعلان اعلامیه‌ی حق توسعه توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۶ در این سازمان در پی به وجود آوردن سازوکارهایی جهت تحقق این حق بوده و هست.

۱. مشاوره‌ی جهانی حق توسعه:^۱ در قطعنامه‌ی شماره‌ی ۱۹۸۹/۴۵ مورخ ۶ مارس ۱۹۸۹، کمیسیون حقوق بشر، دبیر کل سازمان ملل متحد را برای تشکیل یک مشاوره‌ی جهانی در زمینه‌ی تحقق حق توسعه دعوت کرد. این مشاوره‌ی جهانی مشتمل بر کارشناسان مجرب دولتی در کلیه‌ی بخش‌های نظام ملل متحد از قبیل موسسات تخصصی، سازمان‌های بین‌المللی و بین منطقه‌یی و نمایندگان سازمان‌های غیر دولتی که در ارتباط با حقوق بشر با توسعه هستند، بود. هدف این مشاوره‌ی جهانی، تمرکز بر مسایل اساسی مطروحه در زمینه‌ی اجرای اعلامیه‌ی حق توسعه، تعیین معیار و ملاکی برای تعریف، پیشرفت و ساز و کارهای برای ارزیابی و نقش پیشرفت انسانی بود. شورای اقتصادی و اجتماعی در اولین اجلاس خود در سال ۱۹۸۹ در تاریخ ۲۴ می ۱۹۸۹ دعوت کمیسیون راتصویب و تایید نمود. مجمع عمومی نیز در قطعنامه‌ی شماره‌ی ۴۴/۶۲ به مورخ ۸ دسامبر ۱۹۸۹ امیدواری خود را مبنی بر این که نتایج مشاوره که بتواند به طور جوهری به کار کمیسیون در اجرای گسترش بیشتر اعلامیه‌ی حق توسعه یاری دهد، اعلام کرد. مشاوره‌ی جهانی حقوق توسعه در دفتر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو از ۸ الی ۱۲ ژانویه ۱۹۹۰ برگزار گردید.

مشاوره با یک میزگرد تبادل نظر درباره‌ی توسعه و حقوق بشر آغاز شد که در آن دیدگاه‌های جهانی و سیاست‌های جدید که برای تهیه‌ی یک چارچوب جهت مناظره‌های مختلف در زمینه‌ی مزبور، بحث و بررسی گردید. علاوه بر این میزگرد، موضوعات زیر به‌عنوان دستورکار مشاوره قرار گرفت:

1. Global Consultaion on Right to Development

- حق توسعه به عنوان یک حق بشر: مباحث کلی؛
 - مصادیق ویژه‌ی اجرای حق توسعه به عنوان یک حق بشر؛
 - تحقق حق توسعه به عنوان یک حق بشر در سطح ملی؛
 - حق توسعه به عنوان یک حق بشر و سیاست‌های توسعه‌ی بین‌المللی؛
 - اجرا و گسترش افزون‌تر اعلامیه‌ی حق توسعه. (۴۱)
- در طول مشاوره‌ی جهانی حق توسعه، بسیاری از مباحث و دیدگاه‌ها مورد بررسی و مذاکره قرار گرفت و یک شمای اجمالی از مباحث نظری حق توسعه ارائه داده شد.
۲. کنفرانس جهانی حقوق بشر وین: ^۱ بیست و پنج سال پس از برگزاری کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر در تهران تشکیل کنفرانس جهانی حقوق بشر در ژوئن ۱۹۹۳ در وین، در کوشش‌های جامعه‌ی بین‌المللی به منظور پیشبرد و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در همه‌ی نقاط دنیا، گام مهمی محسوب می‌شود. اعلامیه و برنامه‌ی اقدام این کنفرانس، اساس تلاش‌های مشترک آینده از سوی جامعه‌ی بین‌المللی را برای برخورداری همگانی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تشکیل می‌دهد.
- کنفرانس وین از جهت میزان مشارکت دولت‌ها، کارگزاری‌ها و ارگان‌های سازمان ملل متحد، نهادهای ملی و همچنین ۸۴۱ سازمان غیر دولتی بی سابقه بود. اعلامیه و برنامه‌ی اقدام وین با اتفاق نظر ۱۷۱ کشور به تصویب رسیدند و در دسامبر ۱۹۹۳ مورد تأیید مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفتند. مجمع عمومی برای اجرای کامل توصیه‌های کنفرانس خواستار اقدام بیشتری گردید.
- دستاوردهای کنفرانس شامل موارد زیر است:
- توصیه‌ی برپایی کمیساریای عالی برای حقوق بشر؛
 - برای نخستین بار به اتفاق آرا «حق توسعه» به عنوان یک حق لاینفک بشر مورد شناسایی قرار گرفت؛
 - همسو و یکپارچه نمودن حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان حقوقی جدایی‌ناپذیر و مرتبط با حقوق مدنی و سیاسی؛ (۴۲)

1. World Conference on Human Rights (Vienna 1993).

نکته‌ی مهم در این کنفرانس این است که برای اولین بار با اکثریت آراء، حق توسعه به عنوان یک حق انتقال ناپذیر بشر مورد شناسایی قرار گرفته است و می‌توان گفت که حق توسعه بعد از برگزاری این کنفرانس وارد مرحله‌ی جدیدی شد که زمینه‌ی برای اجرا و تحقق بیشتر و کامل‌تر آن به وجود آمد. در ماده‌ی ۷۲ از اعلامیه و برنامه‌ی اقدام وین، هم‌چنین تأیید مجدد حق توسعه به عنوان یک حق جهانی و انتقال ناپذیر، خاطر نشان می‌سازد که اعلامیه‌ی حق توسعه باید اجرا شود و تحقق یابد و در همین زمینه از گروه کاری حق توسعه در خواست می‌نماید که با همکاری و مشاوره‌ی دیگر ارکان و کارگزاری‌های سازمان ملل متحد، اقدام‌های فراگیر و مؤثر جهت رفع موانع اجرا و تحقق اعلامیه‌ی حق توسعه انجام دهد و راه‌ها و ابزار تحقق حق توسعه به وسیله کشورهای توصیه را ارائه دهد. هم‌چنین در ماده‌ی ۷۳، کنفرانس توصیه می‌نماید که سازمان‌های غیر دولتی و دیگر سازمان‌های اساسی فعال در زمینه‌ی توسعه و حقوق بشر باید یک نقش عمده در سطوح ملی و بین‌المللی در فعالیت‌ها و تحقق حق توسعه ایفا و با دولت‌ها در زمینه‌ی کلیه‌ی جوانب مرتبط با توسعه همکاری نمایند؛ و در ماده‌ی ۷۴ به ارتباط متقابل بین توسعه، دموکراسی و حقوق بشر اشاره و بر همکاری‌های بین‌المللی به منظور تحقق آنها تأکید می‌نماید. (۴۲)

۳. گروه کاری حق توسعه؛^۱ همان طوی که در فصل دوم اشاره شد اولین گروه کاری حق توسعه در سال ۱۹۸۱ مشتمل بر ۱۵ کارشناس دولتی که به وسیله‌ی رییس کمیسیون حقوق بشر منصوب شدند، تشکیل گردید. این گروه کاری موظف بود که در زمینه‌ی حوزه و محتوای حق توسعه مطالعه نماید. گروه کاری تا ۳۱ دسامبر ۱۹۸۳ هفت جلسه تشکیل داد، ولی نتوانست کلیه‌ی ابعاد و جوانب وظیفه‌ی محوله‌اش را تکمیل و عملی سازد. اما در سال ۱۹۹۳ یک اقدام مؤثر دیگر در زمینه‌ی حق توسعه به وجود آمد. این اقدام مرهون دو تصمیم بود؛ یکی این که حق توسعه در اعلامیه و برنامه‌ی اقدام وین که توسط همه‌ی کشورهای شرکت کننده به تصویب رسید، به عنوان یک حق جهانی و انتقال ناپذیر انسان و جزء مکمل و اساسی حقوق بشر در نظر گرفته شد. دیگری آن که کمیسیون در قطعنامه‌ی شماره‌ی ۱۹۹۳/۲۲ خود با تأکید بر نیاز یک ساز و کار ارزیابی به منظور حصول اطمینان از پیشبرد،

1. Working Group on Right to Development

تشویق و تقویت اصول مندرج در اعلامیه‌ی حق توسعه، تصمیم گرفت که یک گروه کاری برای حق توسعه تأسیس نماید. گروه کاری متشکل از پانزده نفر از کارشناسان دولتی هستند که توسط کمیسیون حقوق بشر براساس مناطق جغرافیایی انتخاب می‌شوند. وظایف محوله به این گروه عبارت بودند از:

- تعیین موانع اجرا و تحقق اعلامیه‌ی حق توسعه بر اساس اطلاعات ارائه شده از طرف دولت‌های عضو و دیگر منابع مناسب؛
- توصیه‌ی راه‌ها و ابزارهایی به منظور تحقق حق توسعه به وسیله‌ی کلیه‌ی کشورها. (۴۴)

گروه کاری حق توسعه تا قبل از برگزاری پنجاهمین اجلاس مجمع عمومی، دو اجلاس برگزار نمود اولین اجلاس خود را در دفتر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو از ۸ الی ۱۹ دسامبر ۱۹۹۳ برگزار و گزارش این اجلاس را به پنجاهمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر ارائه نمود. با توجه به این گزارش، در باره‌ی موارد زیر به بحث و بررسی پرداخته است:

- چارچوب مفهومی حق توسعه؛

- اجرای حق توسعه در سطح ملی، مشارکت عمومی؛

- اجرای حق توسعه در سطح بین‌المللی؛

- موانع تحقق اعلامیه‌ی حق توسعه؛

- نتایج و توصیه‌ها؛

ابتدا، گروه کاری با استناد به منشور ملل متحد، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، میثاقین و اعلامیه‌ی حق توسعه، حق توسعه را به عنوان یک حق اساسی و انتقال‌ناپذیر بشر معرفی می‌کند و توسعه را در ابعاد مختلف آن در نظر می‌گیرد که شامل توسعه‌ی اقتصادی (شامل تولید عادلانه در آمد)، توسعه‌ی اجتماعی (شامل حق کار، بهداشت و آموزش، مسکن و غذای کافی)، توسعه‌ی فرهنگی (شامل احترام به هویت فرهنگی و...) توسعه‌ی سیاسی (شامل تقویت دموکراسی از طریق مشارکت افراد، گروه‌ها و مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری، توسعه‌ی فن‌آوری و... می‌شود. همچنین بازیگران حق توسعه را در سه گروه ملی، منطقه‌یی و بین‌المللی تقسیم بندی می‌نماید.

سپس به اجرای حق توسعه در دو سطح ملی و بین‌المللی می‌پردازد. در سطح ملی تأکید بر مشارکت عمومی کلیه‌ی افراد، گروه‌ها و مردم در فرآیند توسعه دارد و در سطح بین‌المللی، پس از ذکر این نکته که دو مسأله‌ی حقوق بشر و توسعه ماهیتاً دارای جذبه‌ی بین‌المللی نیز می‌باشند، مهم‌ترین عامل اجرای حق توسعه را همکاری‌های مؤثر بین کشورها بر می‌شمارد. در قسمت بعدی گزارش، به موانع تحقق اعلامیه‌ی حق توسعه پرداخته شده و در پایان، نتایج و توصیه‌های گروه کاری حق توسعه مطرح گردیده است. (۴۵)

دومین اجلاس گروه کاری حق توسعه از ۲ الی ۱۳ می ۱۹۹۴ در دفتر اروپایی سازمان مللی متحد و در ژنو برگزار گردید و گزارش این اجلاس در تاریخ ۵ دسامبر ۱۹۹۴ به پنجاه و یکمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر تقدیم گردید. (۴۶)

محورهای مباحث مطروحه در این اجلاس گروه کاری حق توسعه موارد زیر

می‌باشند:

- پی‌گیری توصیه‌های اجلاس اول؛
- اجرای اعلامیه‌ی حق توسعه به وسیله‌ی سازمان‌های بین‌المللی؛
- موانع تحقق اعلامیه‌ی توسعه،
- نتایج و توصیه‌ها.

در اجلاس دوم، گروه کاری ضمن اشاره به مباحث مطروحه و اقدام‌های انجام شده در زمینه‌ی پی‌گیری توصیه‌های اجلاس اول، وارد یک فرآیند مشورتی با نمایندگان بخش‌ها و کارگزاری‌های مختلف با دو هدف می‌شود: ۱. دریافت اطلاعات بیشتر در زمینه‌ی اجرای حق توسعه در برنامه‌ها و فعالیت‌های آنها و ارزیابی موانع اجرای آن، ۲. پی‌گیری روش‌های مقدماتی و همکاری با مؤسسات مزبور و همچنین راه‌ها و ابزاری که آنها در زمینه‌ی اجرای حق توسعه در گذشته انجام داده‌اند، با این که در آینده انجام خواهند داد. در حقیقت گروه کاری برای اجرای اعلامیه‌ی حق توسعه در سطح بین‌المللی کلیه‌ی سازمان‌های بین‌المللی و کارگزاری‌ها را مسؤول می‌داند. هم‌چنین گروه به موانع تحقق اعلامیه‌ی حق توسعه اشاره و در انتها نتایج و توصیه‌های دومین اجلاس خود را ارائه می‌کند و متذکر می‌شود که اجرای اعلامیه‌ی حق توسعه یک مسؤلیت جمعی برای کل نظام ملل متحد که شامل دولت‌ها، ارکان و مؤسسات

ملل متحد، سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌یی دولتی و غیر دولتی است که مستلزم برنامه ریزی و همکاری‌های گسترده می‌باشد. (۴۷)

۴. کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد؛^۱ کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین برنیاز انطباق ساز و کار حقوق بشر سازمان ملل متحد با نیازهای حال و آینده تأکید نمود. این کنفرانس هم‌چنین اعلام داشت که فعالیت‌های سازمان ملل متحد در زمینه‌ی حقوق بشر تقویت شده و به صورت منطقی در آید. بر این اساس کنفرانس در ماده‌ی ۱۸ اعلامیه و برنامه‌ی عمل خود از مجمع عمومی خواست تا مسأله‌ی تأسیس کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد را در برنامه کاری خود ملحوظ نماید. مجمع عمومی نیز با تصویب قطعنامه‌ی شماره‌ی ۴۸/۱۴۱ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ ضمن ایجاد این پست، مسؤولیت منطقی کردن، انطباق، تقویت و روان سازی ساز و کار ملل متحد در زمینه‌ی حقوق بشر را با هدف افزایش کار آمدی و نظارت قوی تر مرکز حقوق بشر، بر عهده‌ی آن گذاشت. نخستین کمیسر عالی در فوریه‌ی ۱۹۹۴ به این مقام منصوب شد.

کمیسر عالی مسؤولیت دارد که همکاری‌های بین‌المللی برای گسترش و حفظ کلیه‌ی حقوق انسانی، هماهنگی فعالیت‌های پیشبرد و حفظ حقوق بشر در کل مجموعه‌ی ملل متحد، منطقی کردن، انطباق و تقویت و افزایش کارآمدی و ساز و کار ملل متحد برای بهبود کارایی و آن نظارت و سرپرستی مرکز حقوق بشر را انجام دهد. (۴۸)

یکی از فعالیت‌های کمیساریای عالی حقوق بشر، تجدید ساختار مرکز حقوق بشر بوده است. در اکتبر ۱۹۹۴ کمیسر عالی پس از گذشت ۶ ماه از مسؤولیت خود، فرآیندی را با هدف تجدید ساختار و اصلاح روش کار مرکز به منظور قادر ساختن مرکز به پاسخگویی به نیازها و در خواست‌های اعلامیه و برنامه‌ی اقدام وین و افزایش کارایی مرکز آغاز کرد.

طراحی ساختار جدید مدیریتی براین فرض استوار بود که کلیه‌ی مأموریت‌ها و برنامه‌هایی که توسط ارگان‌های تصمیم گیرنده معین می‌گردد، کاملاً مورد حمایت باشد و نیز توجه و حمایت بیشتری نسبت به حق توسعه به عمل آید. به علاوه تصمیم گرفته شد که ساختار جدید، انعطاف کافی و نیز نقش‌های روشن و پیوسته‌یی را در ساختار سازمانی ایجاد

1. United Nations High Commissioner for Human Rights

نماید، مسؤولیت افراد و گروه‌ها را روشن سازد، جهت‌گیری آن مسایل عملی و کاربردی باشد و روابط و تعاملات بین ارگان‌ها را بیان دارد.

با توجه به این فرض و با در نظر گرفتن اصول و خط مشی‌های فوق طرح ساختار جدید مرکز حقوق بشر در سه شاخه تدوین شد: ۱. شاخه‌ی تحقیقات و حق توسعه،^۱ ۲. شاخه‌ی خدمات حمایتی.^۲ ۳. شاخه‌ی برنامه‌ها و فعالیت‌ها.^۳ در شاخه‌ی تحقیقات و حق توسعه، باید مسؤولیت‌های زیر مورد اجرا گذاشته شوند:

۱. ارتقا و حمایت از حق توسعه به خصوص از طریق:

- حمایت از گروه‌های کارشناسی بین‌الدولی جهت تهیه یک راهبرد برای حق توسعه؛

- کمک به تحلیل گزارش‌های داوطلبانه‌ی دولت‌ها به کمیسر عالی در مورد پیشرفت‌ها

و اقدام‌های انجام شده در زمینه‌ی شناسایی حق توسعه و رفع موانع آن؛

- اجرای طرح‌های تحقیقاتی در مورد حق توسعه و آماده سازی طرح‌های مناسب برای

مجمع عمومی، کمیسیون حقوق بشر و ارگان‌های ناظر؛

- کمک به آماده سازی طرح‌های خدمات مشورتی و متون آموزشی در مورد حق

توسعه؛

- ارایه‌ی تحلیل‌های محتوایی و حمایت از کمیسر عالی جهت تقویت حمایت از حق

توسعه در نظام ملل متحد.

۲. اجرای طرح‌های تحقیقاتی در کلیه‌ی زمینه‌های حقوق بشری مورد علاقه ارگان‌های

سازمان ملل با توجه به اولویت‌های تعیین شده توسط اعلامیه و برنامه‌ی اقدام وین؛

۳. ارایه‌ی خدمات محتوایی به ارگان‌های دست‌اندرکار فعالیت‌های استاندارد سازی؛

۴. تهیه‌ی اسناد، گزارش‌ها و تزهای مورد نیاز بنا به درخواست ارگان‌های مختلف؛

۵. ارایه‌ی تحلیل‌ها، توصیه‌ها و خط مشی لازم در مسایل اداری؛

۶. مدیریت خدمات اطلاع رسانی شامل مرکز اسناد کتابخانه، خدمات تحقیقاتی و

اداره‌ی بانک‌های اطلاعاتی در زمینه‌ی حقوق بشر (۴۹)

1. Research and Right to Development Branch

2. Support Services Branch

3. Programmes and Activities Branch

البته در شاخه‌های دیگر نیز مسؤولیت‌های متناسب با محتوای هر بخش در نظر گرفته شده است. اما نکته‌ی مهم در زمینه‌ی فعالیت‌های کمساری‌ای عالی حقوق بشر این است که حمایت و تحقق حق توسعه هدف محوری آن می‌باشد که می‌توان در تجدید ساختار مرکز حقوق بشر مشاهده نمود، به طوری که یک شاخه از ساختار این مرکز به حق توسعه اختصاص داده شده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث ذکر شده می‌توان گفت که در حقوق بین‌الملل توسعه، اعتقاد بر این است که کشورهای در حال توسعه واحد حقی به نام حق توسعه هستند و این حق به عنوان یک حق بنیادین بشری طرح می‌شود. رولاند ریچ^۱ به عنوان یکی از طرفداران حق توسعه، دلایل خود را در تأیید این حق چنین می‌شمرد:

۱. حقوق بین‌الملل از حقوق همزیستی به حقوق همکاری تحول پیدا کرده‌است؟
۲. قدرت‌های استعمارگر در جبران وضع مستعمرات سابق خود، به این کشورها مدیونند؟
۳. توسعه نیافتگی کشورهای جنوب، نتیجه‌ی توسعه‌یافتگی کشورهای شمال بوده‌است؟

۴. از مفاهیم کلی انصاف و عدالت می‌توان وجود این حق را استنباط کرد. (۵۰)

با وجود این که کشورهای توسعه یافته در کنفرانس‌ها و محافل مختلف بین‌المللی به وجود حق توسعه اذعان می‌نمایند و در کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین به طور صریح حق توسعه را مورد شناسایی قرار می‌دهند و در همین راستا کمک‌هایی به کشورهای در حال توسعه می‌کنند، اما هیچ‌گاه قدمی در الزامی کردن حق توسعه برنداشته‌اند و چندان هم مایل به جدی گرفتن این مسأله نیستند.

اما کشورهای در حال توسعه همواره در پی اهمیت دادن به مسأله‌ی توسعه و حق

1. Ronald Rich

توسعه بوده‌اند و همین تعارض را می‌توان در چگونگی تهیه در دستور کار برای صلح^۱ و توسعه^۲ مشاهده نمود. کشورهای توسعه یافته با استفاده از ابزار شورای امنیت و کشورهای در حال توسعه با بهره‌گیری از اکثریت خود در مجمع عمومی اقدام به چنین عملی نمودند. طبق نظریه‌های موجود و با توجه به پایان جنگ سرد و اهمیت یافتن فعالیت‌های اقتصادی، یکی از طرق تحقق حق توسعه، تغییر در ساختار سازمان ملل متحد و تشکیل شورایی برای تضمین امنیت اقتصادی جهان است. در این نظریه‌ها، به حذف تدریجی حق و تو به عنوان یکی از موانع توسعه‌ی اجتماعی جهان پرداخته شده‌است.^(۵۱) البته این نظریه‌ها نیاز به بررسی و تجزیه و تحلیل دقیق علمی دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

-
1. Agenda for Peace
 2. Agenda for Development

اعلامیه‌ی حق توسعه^۱

مصوب مجمع عمومی ملل متحد در قطعنامه‌ی ۴۱/۱۲۸ در ۴ دسامبر ۱۹۸۶

مجمع عمومی

با در نظر گرفتن اهداف و اصول منشور ملل متحد مربوط به دستیابی همکاری بین‌المللی در حل مشکلات بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ماهیت بشر دوستانه و با در نظر گرفتن گسترش و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض لحاظ نژاد، جنس، زبان یا مذهب،

با تشخیص این که توسعه، فرآیند جامع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که هدف آن بهبود کامل رفاه کل جمعیت و تمام افراد بر اساس مشارکت فعال، آزاد و حقیقی در توسعه و توزیع عادلانه‌ی سودهای ناشی از آن است. با توجه به این که مطابق مقررات اعلامیه‌ی جهانی بشر، هر شخص ذی‌حق همان نظام اجتماعی و بین‌المللی می‌باشد که در آن حقوق و آزادی‌های مندرج در اعلامیه، به‌طور کامل می‌تواند تحقق یابد، با یادآوری مقررات میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی راجع به حقوق مدنی و سیاسی،

با یادآوری مجدد موافقتنامه‌ها، کنوانسیون‌ها، قطعنامه‌ها و توصیه‌های ذی‌ربط و دیگر اسناد ملل متحد و مؤسسات تخصصی مربوط به توسعه‌ی صحیح انسانی، پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و توسعه‌ی همه‌ی ملت‌ها که شامل آن ابزارهایی که در ارتباط با استعمار زدایی، جلوگیری از تبعیض، احترام حقوق بشر، آزادی‌های اساسی، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و گسترش بیشتر روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌ها بر طبق منشور می‌باشد. با یادآوری حق ملت‌ها بر خود مختاری که به موجب آن حق دارند به‌طور آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین نموده و توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را ادامه دهند،

هم‌چنین با یادآوری حق ملت‌ها به اعمال حاکمیت کامل و تمام بر کلیه‌ی منابع و

۱. اعلامیه‌ی حق توسعه توسط نگارنده از انگلیسی به فارسی ترجمه شده‌است.

ثروت‌های طبیعی به موجب مقررات مربوط در میثاقین حقوق بشر، با آگاهی از تمهیدات کشورها بر طبق منشور ملل متحد به منظور تقویت و رعایت جهانی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بدون اعمال تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده‌ی سیاسی یا دیگر عقاید، منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، محل تولد یا وضعیت دیگر،

باتوجه به رفع تحلفات فاحش و آشکار حقوق بشر ملت‌ها و افراد که تحت تأثیر شرایطی مثل مسایل ناشی از استعمار، استعمارنو، وحدت ملی و تمامیت ارضی و تهدیدهای جنگ می‌تواند به ایجاد شرایط مساعد جهت توسعه‌ی بخش بزرگی از نوع بشر کمک نماید،

توجهات خطیر به وجود موانع جدی در راه توسعه و نیز تحقق بخشیدن به آرمان‌های کامل انسان‌ها و ملت‌ها که در میان سایر موارد، با انکار حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد می‌شوند و باتوجه به این که همه‌ی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی لاینفک و وابسته به یک‌دیگرند، لذا به منظور گسترش توسعه، توجه یکسان و ملاحظات فوری باید به اجرا، گسترش و حفظ حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مبذول گردد. بنابراین گسترش، احترام و تمتع از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نمی‌تواند انکار دیگر حقوق و آزادی‌های اساسی را توجیه نمایند،

باتوجه به این که صلح و امنیت بین‌المللی، عناصر ضروری برای تحقق حق توسعه هستند،

ضمن تصدیق مجدد بر این که بین خلع سلاح و توسعه ارتباط نزدیکی وجود دارد و این که پیشرفت در حوزه‌ی خلع سلاح به‌طور قابل توجهی پیشرفت در حوزه‌ی توسعه را گسترش خواهد داد و این که منابعی که از طریق اقدام‌های خلع سلاح آزاد شده‌اند، باید به توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی و رفاه همه‌ی ملت‌ها به‌خصوص کشورهای در حال توسعه اختصاص داده شوند،

با تشخیص این که شخص انسان موضوع محوری فرآیندهای توسعه است و این که سیاست توسعه بایدانسان را به عنوان شریک و ذی‌نفع مهم توسعه تلقی نماید،

باتشخیص این که ایجاد شرایط مساعد و مناسب جهت توسعه‌ی ملت‌ها و افراد مسؤلیت اولیه و اساسی دولتهاست، با آگاهی از فعالیت‌ها در سطح بین‌المللی به منظور گسترش و حفظ حقوق بشر باید به‌وسیله‌ی فعالیت‌ها به منظور ایجاد یک نظام جدید اقتصادی بین‌المللی همراهی شود، باتأیید این که حق توسعه یک حق انتقال‌ناپذیر بشر است و این که تساوی فرصت‌های توسعه، امتیازی است که هم برای ملت‌ها و هم برای افراد به‌وجود آمده است، اعلامیه‌ی حق توسعه را به شرح زیر اعلام می‌نماید:

ماده‌ی یک

۱. حق توسعه یک حق انتقال‌ناپذیر بشر است که موجب آن هر فرد و همه‌ی ملت‌ها ذی‌حق از مشارکت، کمک و تمتع از توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌باشند که در آن کلیه‌ی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی می‌تواند به طور کامل تحقق یابد.

۲. حق توسعه بشر هم‌چنین بر تحقق کامل حق ملت‌ها مبنی بر خودمختاری دلالت دارد که منوط به مقررات ذی‌ربط هر دو میثاق بین‌المللی حقوق بشر، شامل اعمال حق انتقال‌ناپذیر حاکمیت کامل بر تمامی ثروت‌ها و منابع طبیعی می‌باشد.

ماده‌ی دوم

۱. شخص انسان موضوع محوری توسعه است و باید سهیم و ذی‌نفع فعال حق توسعه باشد.

۲. همه‌ی انسان‌ها چه به صورت فردی و چه جمعی در برابر توسعه مسؤلیت دارند، با در نظر گرفتن نیاز رعایت کامل حقوق بشر و آزادی‌های اجتماعی و وظایف خود نسبت به جامعه که به تنهایی می‌تواند فعالیت کامل و آزاد انسان را اطمینان دهد و باید یک نظم سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را برای توسعه گسترش و حفظ کنند.

۳. دولت‌ها حق و وظیفه دارند که سیاست‌های مناسب توسعه‌ی ملی که هدف آن بهبود همیشگی رفاه کامل جمعیت و همه‌ی افراد می‌باشد، برپایه‌ی مشارکت فعال، آزاد و

جدی در توسعه و توزیع عادلانه‌ی منافع ناشی از آن را تنظیم نمایند.

ماده‌ی سوم

۱. دولت‌ها مسؤولیت اولیه دارند که شرایط مناسب و مساعد ملی و بین‌المللی جمعیت تحقق حق توسعه را ایجاد نمایند.

۲. تحقق حق توسعه مستلزم رعایت کامل اصول حقوق بین‌المللی مربوط به روابط و همکاری دوستانه بین کشورها و برطبق منشور ملل متحد است.

۳. دولت‌ها وظیفه دارند که با یک‌دیگر در زمینه‌ی تضمین توسعه و رفع موانع توسعه هماهنگی به عمل آورند. دولت‌ها باید حقوقشان را عملی نمایند و وظایف خود را به نحوی جهت گسترش نظام نوین اقتصادی بین‌المللی بر اساس تساوی حاکمیت، وابستگی متقابل، منافع و همکاری دوجانبه بین همه‌ی دولت‌ها و هم‌چنین تشویق و رعایت و تحقق حقوق بشر انجام دهند.

ماده‌ی چهارم

۱. دولت‌ها وظیفه دارند که به‌صورت انفرادی یا جمعی تنظیم سیاست‌های توسعه‌ی بین‌المللی به منظور تسهیل تحقق کامل حق توسعه قدم بردارند.

۲. عمل مداوم مستلزم گسترش توسعه‌ی سریع تر کشورهای در حال توسعه است به‌عنوان مکمل فعالیت‌های کشورهای در حال توسعه، همکاری بین‌المللی مؤثر، به منظور آماده سازی این کشورها با ابزارها و تسهیلات مناسب توسعه‌ی جامع، ضروری است.

ماده‌ی پنجم

دولت‌ها باید به منظور رفع تخلفات فاحش و صریح حقوق بشر ملت‌ها و انسان‌ها مؤثر از موقعیت‌هایی چون ناشی از آپارتاید، همه‌ی اشکال نژادپرستی و تبعیض نژادی، استعمار، سلطه‌ی خارجی و اشغال، تجاوز، مداخله‌ی خارجی و تهدیدات علیه حاکمیت ملی، وحدت ملی و تمامیت ارضی، تهدیدات جنگ و امتناع از شناسایی حق اساسی ملت‌ها

یعنی حق خود مختاری، گام‌های راسخی را اتخاذ نمایند.

ماده‌ی ششم

۱. همه‌ی دولت‌ها باید به منظور گسترش، تشویق، تقویت و رعایت جهانی کلیه‌ی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بدون در نظر گرفتن تبعیض از لحاظ نژاد، جنس، زبان مبادرت به همکاری نمایند.

۲. کلیه‌ی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی لاینفک و وابسته به یک‌دیگر بوده و باید توجه یکسان و ملاحظات فوری به جهت اجرا، گسترش و حفظ حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مبذول گردد.

۳. دولت‌ها باید به منظور رفع موانع توسعه که در اثر عدم رعایت حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به وجود آمده‌اند، قدم بردارند.

ماده‌ی هفتم

کلیه‌ی دولت‌ها باید، ایجاد، حفظ و تقویت صلح و امنیت بین‌المللی را گسترش دهند و به این منظور باید حداکثر اهتمام خود را برای به دست آوردن و اجرای کامل خلع سلاح تحت کنترل مؤثر بین‌المللی را انجام دهند.

همچنین اطمینان دهند که منابع آزاد شده به وسیله‌ی اقدام‌های خلع سلاح برای توسعه‌ی جامع، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه استفاده شوند.

ماده‌ی هشتم

۱. دولت‌ها باید در سطح ملی کلیه‌ی اقدام‌های ضروری برای تحقق حق توسعه را برعهده گیرند و اطمینان بخشند که در میان سایر موارد، فرصت برابر برای همه در دست‌یابی به منابع اساسی آموزش، خدمات بهداشتی، غذا، مسکن، اشتغال و توزیع عادلانه در آمد وجود دارد. اقدام‌های مؤثر باید جهت اطمینان به این که زنان یک نقش فعال در فرآیند توسعه دارند، به عمل آید. اصلاحات اقتصادی و اجتماعی باید به منظور ریشه کن کردن بی

عدالتی‌های اجتماعی صورت گیرد.

۲. دولت‌ها باید مشارکت عمومی در همه‌ی حوزه‌ها را به عنوان یک عامل مهم در توسعه و تحقق کامل حقوق بشر تشویق نمایند.

ماده‌ی نهم

۱. همه‌ی جوانب حق توسعه که در اعلامیه‌ی حاضر بیان می‌شوند، لاینفک و وابسته به یک‌دیگر بوده و هر یک از آنها باید در چارچوب کلی آن در نظر گرفته شود.

۲. هیچ چیزی در اعلامیه‌ی حاضر به عنوان وجود تعارض با اهداف و اصول ملل متحد تعبیر نخواهد شد و یا نباید به گونه‌ی تفسیر شود که دوستی، گروهی یا شخصی حق فعالیت و یا مبادرت به عملی را پیدا می‌کند که هدفشان نقض حقوق مندرج در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های بین‌المللی بشر می‌باشد.

ماده‌ی دهم

باید گام‌هایی جهت حصول اطمینان از اعمال کامل و افزایش مستمر حق توسعه برداشته شود، مانند تنظیم، اتحاد و اجرای خط مشی قانونگذاری و دیگر اقدام‌ها در سطوح ملی و بین‌المللی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب‌شناسی

1. United Nations, Notes for speakers: Human Rights. (New York: U.N publications; 1993) P 28.
2. Ibid, p 28.
3. Cassese, Antonio International law in a Divided World; (New York: oxford university press'1986) p 368.
4. Ibid, P 369.
5. Marks, Stephen P, " Emerging Human Rights: A New Generation for the 1980?" 'in International Law: A contemporary perspective, Edited by Richard Falk and others'(London: Westview press, 1986) p.508.
6. United Nations, United Nations and Human Rights, (New York: U.N publication, 1986), p 231.
7. Ibid, pp 231-232
8. مبحث حق توسعه در قطعنامه‌های مجمع عمومی به شماره‌های A/Res/37/199, A/Res/36/133, A/Res/41/117, A/Res/40/114, A/Res/39/145, A/Res/38/121 مطرح گردید و از آن به عنوان یکی از حقوق اولیه و انتقال ناپذیر بشر یاد شده است.
9. United Nations, United Nations and Human Rights 1945-1995; With an Introduction by B.B. Ghali'(New York: U.N publication'1995) pp 74-75
10. United Nations and Human Rights' 1945-1995, op.cit.p 75.
11. Ibid, p 76.
12. Ibid, pp76-77.
13. Ibid, p78.
14. Steiner Henry J. and Philip alstom, International Human Rights in Context: Law, Politics Morals, (New York: Oxford University Press, 1996) P 1118.
15. Ibid, p 1118.
16. Ibid, p 1118.

17. International Law in a Divided world; op. cit. pp 371-372.
18. Gros Espiel, Hector, "The Right of development as a Human Right," in Human Rights in the World Community, Edited by Richard Claude and Burnsh Weston, (Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 1992) p 169..
19. United Nations, The Realization of the Right to Development; (New York: U.N publication, 1991) p 15.
20. International Human Rights in context: law, politics, morals; op.cit p1122.
21. Ibid.
22. "The Right of Development as Human Right"; op.cit p 168.
23. "The Right of Development as a Human Right;" op.cit p186.
۲۴. قطعنامه‌های مزبور عبارتند از: A/Res/39/145, A/Res/38/121, A/Res/37/199
A/Res/41/117, A/Res/40/124, A/Res/40/114
25. A/Res/50/184. 22 December 1995.
۲۶. تعدادی از قطعنامه‌های مزبور عبارتند از: 42/117, Res/42/102, A/Res/41/131
A/Res/46/117, A/Res/45/96, A/Res/44/63, A/Res/43/113, A/Res/

27. United Nations, "Human Rights and Development;" in Information kit of world conference on Human Rights (Vienna), (New York: U.N Department of public information, 1992). p1.
28. United Nations, World Conference on Human Rights; (N.Y: U.Npublication, 1995), pp64.
29. "The Right of Development as a Human Right;" op.cit. p 168.
۳۰. مسابلی، محمود، «نسل جدید حقوق بشر»، مجله‌ی سیاست خارجی، سال ششم، شماره‌ی ۱ (بهار ۱۳۷۱)، صص ۱۷۱-۱۷۰.
31. A/Res/41/133, 4 December 1986.
32. A/Res/49/186, 23 December 1994.
33. Notes for speakers: Human Rights, op. cit. p31.

34. Ibid, p31.
35. "Human Rights and Development," op.cit. p 2.
36. "Human Rights and Development;" op.cit. pp1-2.
37. Qingohang, Zhou, "Western views on Human Rights opposed;" Beiyang Review, vol.36. No 27(July 5-11,1993) p9.
38. The Realization of Right to Development; op.cit. pp47-49.
39. E/CN. 4/1994/21, 13 December 1993.(Report of Working Group on the Right to development on its frist session)
40. E/CN.4/1995/11, 5 December 1994.(Report of working Group On the Right to Development on its ,second session)
41. The Realization of Right to Development; op.Cit pp 2-6.
42. United nationss, Basic facts about the United Nations; (New york: U.N publication, 1995) p 195-196.
43. World conference on Human Rights; Op.Cit pp 40-45.
44. E/CN. 4/1994/21. op.cit. p4.
45. Ibid, pp6-26.
46. E/CN.4/1995/11. op. cit.p3.
47. Ibid, pp4-16.
48. Basic facts about the United Nation, op. cit. p 196.

۴۹. در تهیهی مطالب این قسمت از گزارش یکی از کارشناسان اداره‌ی حقوق بشر وزارت امور خارجه استفاده شده است.

۵۰. زناماهانا، بریان، «حقوق و توسعه»، روزنامه‌ی ایران، سال دوم، شماره‌ی ۵۲۸، (۱۳ آبان ۱۳۷۵)، ص ۶.

51. See: Ingvar Corlsson, "The U.V.at 50: A Time to Reform", Foreign Policy; (Fall 1995), pp. 18. and B.B.Ghali, "A New Departure on Development", Foreign Policy; (Spring 1995), pp. 14-50.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی